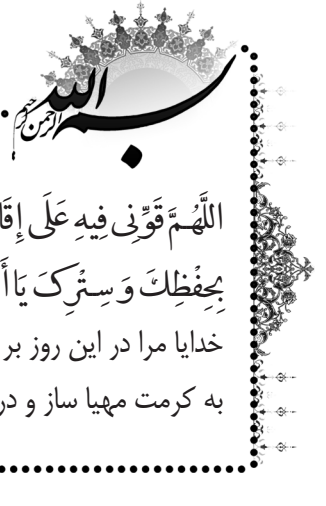




ماه

رمضان



اللَّهُمَّ قَوِّنِي فِيهِ عَلَى إِقَامَةِ أَمْرِكَ وَأَذِقْنِي فِيهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ وَأَوْزِعْنِي فِيهِ لِأَدَاءِ شُكْرِكَ بِكَرَمِكَ وَاحْفَظْنِي فِيهِ بِحِفْظِكَ وَسِتْرِكَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ

خدایا مرا در این روز بر اقامه و انجام فرمانت قوت بخش و حلاوت و شیرینی ذکرت را بمن بچشان و برای ادای شکر خود به کرمت مهیا ساز و در این روز به حفظ و پرده پوشی ات مرا از گناه محفوظ دار، ای بصیرترین بینایان عالم.

اخلاق: مراحل مبارزه با نفس (۱)

امام راحل در کتاب «اربعین» خود برای مبارزه با نفس مراحل هشتگانه را مطرح فرمودند که عبارت است از:

- ۱. یقظه:** یقظه یعنی بیداری و تنبه و خروج از غفلت و خودفراموشی که بدون آن آدمی هیچ گاه به فکر تزکیه و خودسازی نخواهد افتاد. یقظه یعنی بیداری از خواب غفلت و احساس مسؤولیت به این که جهان و انسان بیهوده آفریده نشده است، که فرمود: «افحسبتم انما خلقناکم عبثاً و انکم الینا لاترجعون»؛ «آیا گمان می کنید که ما شما را بیهوده آفریده ایم و شما به ما باز نمی گردید؟!».
- امام علی علیه السلام می فرماید: «أَمَّا مِنْ دَانِكَ بُلُولٌ أَمْ لَيْسَ مِنْ نَوْمِكَ يَقْظَةً ... وَ كَيْفَ لَا يُوقِظُكَ خَوْفُ بَيَاتٍ نَقَمَهُ وَ قَدْ تَوَزَّطْتَ بِمَحَاصِيهِ مَدَارِجِ سَطَوَاتِهِ قَتَدًا وَ مِنْ دَاءِ الْفَرَةِ فِي قَلْبِكَ بَعْرَجَةً وَ مِنْ كَرَى الْغَفْلَةِ فِي نَازِكِهِ بِقِيقْظَةٍ ...»؛ «آیا درد تو را بیهودی و خواب تو را بیداری نیست؟! ... پس چگونه ترس شبیخون خشم الهی تو را بیدار نمی کند و حال آن که بر اثر نافرمانی از دستورهای او به مدارج قهر و غضب او در افتاده ای! پس سستی خود را به تصمیم و قاطعیت، و خواب و غفلت را به بیداری و حرکت درمان کن ...».
- امام سجاد علیه السلام از غفلت به خدا پناه می برد، و می فرماید: «اللهم انی اعوذ بک من الکسل و الفشل و الهم و الجبن و البخل و الغفلة...»؛ ولی بسیاری از مردم تا هنگام مرگ از خواب غفلت بیدار نمی شوند.
- چه فایده که هشیاری پس از مرگ موجب ندامت و حسرت است و خداوند انسان ها را از چنین روزی بیم می دهد، که فرمود: «و انذرهم یوم الحسرة اذ قضی الامر و هم فی غفلة»؛ «بیم ده آنان را از روز حسرت؛ آن هنگام که کار از کار گذشته و آن ها در غفلت فرو رفته اند».
- حضرت امام تقی می فرماید: «... منزل اول انسانیت یقظه است و آن بیدار شدن از خواب غفلت و هشیار شدن از سکر طبیعت است و فهمیدن این که انسان مسافر است و هر مسافر زاد و راحله می طلبد و راحله انسان خصال خود انسان است».
- ۲. تفکر و تدبیر:** دومین مرحله تهذیب و مبارزه با نفس تفکر است. نقطه آغازین اندیشه تفکر در آثار خدا و نعمت های او که توجه به آن ها نفس را خاضع و به سپاس و می دارد و نیز اندیشیدن انسان به سرنوشت خویش و وظیفه های که در برابر خدا دارد و این که هدف از زندگی دنیوی چیست؟ مقصد نهائی حیات کجاست؟ و برای وصول به آن مقصد چه باید کرد؟
- حضرت علی علیه السلام می فرماید: «لا عمل کالتفکر»؛ «هیچ عملی همچون تفکر و اندیشیدن نیست». نیز در مقام نصیحت به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام می فرماید: «لا عِبَادَةَ کَالْتَفْکَرِ فِی صَنَعَةِ اللَّهِ؛ هیچ عبادتی مانند تفکر در مصنوعات و آثار خدا نیست».
- امام صادق علیه السلام فرمود: «الْفِکْرَةُ مَرَأَةُ الْحَسَنَاتِ وَ کَفَّارَةُ السَّيِّئَاتِ وَ ضِيَاءُ الْقُلُوبِ وَ فُسْحَةُ الْخَلْقِ وَ إِصَابَةُ فِي صَلَاحِ الْمَعَادِ وَ أَطْلَاعٌ عَلَى الْعَوَاقِبِ وَ اسْتِزَادَةٌ فِي الْعِلْمِ وَ هِيَ خَصْلَةٌ لَا يُعْبَدُ اللَّهُ مِثْلَهَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص فِکْرَةُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ وَ لَا يَنَالُ مَنَزِلَةَ التَّفْکَرِ إِلَّا مَنْ قَدْ خَصَّهُ اللَّهُ بِنُورِ الْمَعْرِفَةِ وَ التَّوْحِيدِ»؛ «فکر و اندیشه، آینه خوبی ها و پوشاننده بدی ها و روشنی بخش دل ها و موجب خوشخویی، و سعه صدر می شود. به وسیله تفکر، انسان را انسان عقلی و شرعی نماید و...».

۱. مؤمنون، ۱۱۵.
۲. صبحی صالح، ۱۳۹۵، خطبه ۲۳۳.
۳. جمله ای از دعای ابو حمزه ثمالی.
۴. مریم، ۳۹.
۵. روح الله خمینی، چهل حدیث (اربعین حدیث).
۶. نهج البلاغه، صبحی صالح، قصار ۱۱۳.
۷. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۲۶.
۸. حقائق، ۳۵.
۹. روح الله خمینی، چهل حدیث (اربعین حدیث)، ص ۷.

نقش تربیت دعا

اولین اثر دعا، نقش تربیتی آن است. بدین گونه که دعا یاد خداوند را در دل انسان زنده نگه می دارد:

«و لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ» حشر/۱۹؛ «و شما مانند آنان نباشید که به کلی خدا را فراموش کرده اند و خدا هم نفوس آن ها را از یادشان برد». انسان به دلیل ساخت فکری و ذهنی خود فراموشکار است و به سبب همین خصوصیت دچار انحرافات و خطاهایی گاه بسیار بزرگ می شود، چنان که از مسیر هدایت و جاده حرکت اصیل خویش منحرف شده، اهدافش را گم می کند و دچار سردرگمی عقیدتی و فکری می گردد. آینده اش را به تباهی می کشاند و هستی خویش را بدون آن که بهره ای ببرد به دست باد می سپارد.

دعا سبب طهارت روح انسان می شود، ضلالت و گمراهی را به او تذکر می دهد، گرد و غبار روزمرگی ها را از صورت تفکر او می شوید، و کژی ها و کاستی ها را کمرنگ کرده، روح ایمان را باز می پروراند.

با دعا، توکل در انسان افزایش یافته، وی با نیروی اعتماد بر قدرتی متعال که همیشه همراه اوست و شاهد و ناظر اعمال و گفتار او، سعی در پیرایش تفکرات خویش و زدودن آلاینش از اعمال و کردار نموده، در نهایت در مسیر تربیتی صحیحی به حرکت در می آید.

اولین اثر دعا، نقش تربیتی آن است. بدین گونه که دعا یاد خداوند را در دل انسان زنده نگه می دارد:

«و لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ» حشر/۱۹؛ «و شما مانند آنان نباشید که به کلی خدا را فراموش کرده اند و خدا هم نفوس آن ها را از یادشان برد». انسان به دلیل ساخت فکری و ذهنی خود فراموشکار است و به سبب همین خصوصیت دچار انحرافات و خطاهایی گاه بسیار بزرگ می شود، چنان که از مسیر هدایت و جاده حرکت اصیل خویش منحرف شده، اهدافش را گم می کند و دچار سردرگمی عقیدتی و فکری می گردد. آینده اش را به تباهی می کشاند و هستی خویش را بدون آن که بهره ای ببرد به دست باد می سپارد.

دعا سبب طهارت روح انسان می شود، ضلالت و گمراهی را به او تذکر می دهد، گرد و غبار روزمرگی ها را از صورت تفکر او می شوید، و کژی ها و کاستی ها را کمرنگ کرده، روح ایمان را باز می پروراند.

با دعا، توکل در انسان افزایش یافته، وی با نیروی اعتماد بر قدرتی متعال که همیشه همراه اوست و شاهد و ناظر اعمال و گفتار او، سعی در پیرایش تفکرات خویش و زدودن آلاینش از اعمال و کردار نموده، در نهایت در مسیر تربیتی صحیحی به حرکت در می آید.

آیه ای از قرآن بر علیه او نازل شد

ثعلبه بن حاطب انصاری مرد فقیری بود به پیامبر ﷺ عرض کرد: از خدا بخواه تا مال زیادی روزیم کند، پیامبر ﷺ به او فرمود: «قَلِيلٌ تَوَدِّي شُكْرَهُ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ لَا تُطِيقُهُ» مقدار کمی که حقش را بتوانی ادا کنی، بهتر از مقدار زیادی است که توانایی ادای حقش را نداشته باشی» آیا بهتر نیست که تو به پیامبر خدا تاسی جویی و به زندگی ساده‌ای بسازی؟ ولی ثعلبه دست‌بردار نبود و به پیامبر ﷺ عرض کرد به خدایی که تو را به حق فرستاده سوگند یاد می‌کنم، اگر خداوند ثروتی به من عنایت کند تمام حقوق آن را می‌پردازم. پیامبر ﷺ برای او دعا کرد. چیزی نگذشت که پسر عموی ثروتمندی داشت از دنیا رفت و ثروت سرشاری به او رسید.

ثعلبه گوسفندانی گرفت و آن گوسفندان زیاد شدند، تا آنجا که دیگر مدینه بر او تنگ آمده، ناچار به آبادی‌های اطراف مدینه روی آورد و دیگر در نماز جمعه و جماعت حاضر نمی‌شد، پیامبر ﷺ فردی را برای گرفتن زکات نزد او فرستاد، اما او سر باز زد و بخل ورزید و از پرداخت حق الهی خودداری کرد و حتی به اصل تشریع این حکم نیز اعتراض نمود.

رسول خدا ﷺ فرمود:

وای بر ثعلبه، پس خداوند این آیه را نازل فرمود: «وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ».

یعنی: برخی از مردم کسانی هستند که با خدا عهد می‌بندند که اگر از فضلش به ما ببخشد، البته صدقه می‌دهیم و از نیکان خواهیم بود.

لعیفه قرآن

مردی قطعه زمینی در مجاورت زمین شخص دیگری داشت و هر سال، بخشی از زمین را ضمیمه‌ی زمین خود می‌ساخت. روزی صاحب زمین اولی به دومی گفت: علت نقصان و کاستی زمین چیست؟

دومی: مگر نشنیده‌ای که خدا می‌گوید:

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا...

آیا ندیدید که ما پیوسته به سوی زمین می‌آییم و از اطراف (و جوانب) آن کم می‌کنیم؟!

اولی گفت: پس علت افزونی زمین تو چیست؟

دومی: {... ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ...}؛ این فضل خداوند است، به هر کس (و شایسته ببیند) می‌دهد.

اولی: آخر چرا زمین تو هر سال بیشتر می‌شود و زمین من کم؟ دومی: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسْأَلُكُمْ...}؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از چیزهایی نپرسید که اگر برای شما آشکار گردد، شما را ناراحت می‌کند.

به اطلاع کارمندان محترم می‌رسانیم بعد از عید سعید فطر، مسابقه‌ای از مجموع این تکنکارها که انشاءالله به صورت روزانه هنگام نماز ظهر و عصر توزیع خواهد شد، برگزار و جوایز نفیسی اهداء خواهد شد. (بنابر این در جمع‌آوری و مطالعه این تکنکارها دقت لازم را داشته باشید.)

پرسمان

موانع و آفت پیشرفت و ترقی انسان به سوی هدف، سعادت و علم چیست؟

انسان جهت طی مسیر کمال و ترقی به این عالم آمده است تا به سر منزل مقصود خویش برسد. این هدف، مخصوص انسان هم نیست. موجودات دیگر هم در این دنیا برای خود کمالی متناسب با ساختمان و طبیعت وجود خود دارند؛ کمال یک درخت ثمربخش، این است که به میوه بنشیند. کمال یک بوته گل این است که گل معطر خود را در معرض استفاده انسان قرار دهد، و کمال انسان نیز متناسب با ذات و شخصیت او قرب به خداوند است.

انسان، چون موجودی پیچیده و دارای ابعاد گوناگون است، پیدا کردن موانع رشد و تکامل، بسیار دشوار به نظر می‌رسد. چون موانع تکامل انسان بسیار متنوع است. انبیای الهی آمدند تا موانع را برطرف کنند و جاده تکامل راه، که خدا پیش پای انسان گذاشته، بگشایند، و راه را به او نشان دهند، این، یک مسئله مهم و موضوع یک بحث بسیار طولانی است. «...و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت علیهم»؛ و بارهای سنگین و زنجیرهایی که بر آنها بود از دوش و گردنشان بر می‌دارد».

عواملی که مانع پیمودن راه کمال و نیل به سعادت انسان می‌گردد فراوان است ولی مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. تعلقات دنیوی: علاقه افراطی و خارج از چارچوب به مال، ثروت، جاه، مقام و ریاست، انسان را از حرکت، هجرت و سلوک به سوی سعادت حقیقی که همان قرب الهی است باز می‌دارد. قلبی که با محسوسات انس گرفته و شیفته و دلباخته آنهاست، چگونه می‌تواند به طرف سعادت و عالم بالا، صعود کند؟ دلی که جایگاه محبت امور فانی دنیوی است چگونه می‌تواند تجلیگاه انوار الهی باشد؟ حضرت امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «حب الدنيا رأس کل خطيئة»؛ محبت دنیا ریشه هر گناهی است».

۲. پیروی از هوای نفس: فردی که شبانه روز به دنبال برآوردن خواسته‌های دل و هوا و هوس می‌باشد، چه وقت می‌تواند از دنیا هجرت کند و از افق طبیعت و ماده به بارگاه قدس ربوبی پر بکشد؟ در روایت معروفی نقل شده است که فرموده‌اند: «ان اخوف ما اخاف علیکم اثنان».

رموز موفقیت

- هرچه سریعتر عادت‌های کهنه و دست و پاگیر را رها کنید، زودتر به اهداف و آرزوهایتان می‌رسید.
- وضعیت فعلی ما مربوط به نوع رفتار ماست. یعنی ما می‌توانیم شرایط فعلی را با تغییر رفتارهایمان، تغییر داده و بهتر نماییم.
- همواره از کسانی که می‌خواهند شما را از اهداف و آرزوهایتان باز دارند دوری کنید.
- تکرار رفتارهای همیشگی باعث نتیجه تکراری می‌شود.
- ترس ما بسیار مضرتر از واقعیت بیرون است. زیرا اکثراً این ترس ماست که ما را از حرکت و می‌دارد، نه واقعیت بیرونی.

اتباع الهی و طول الامل؛ ترسناک‌ترین بلایی که از ابتلای شما مسلمانها به آن می‌ترسم، این است که دنباله‌رو هوای نفس خودتان باشید. یعنی شهوترانی کردن و شهوات را بر عقل مسلط ساختن. اینها همه موانع درونی انسان است.

۳. ضعف اراده: سستی اراده وعدم قدرت بر تصمیم‌گیری از موانع بزرگ راه است که انسان را از شروع در عمل باز می‌دارد. ضعف اراده خود از پی نبردن به ارزش مقصد والا و سعادت ابدی انسان سرچشمه می‌گیرد. هم‌چنین اسارت‌های انسان باعث سستی اراده خواهد شد. کسی که اسیر نفس و خواهش‌های او و یا اسیر عادت‌های منفی است، اراده‌ای ضعیف دارد و نمی‌تواند حرکت کند.

۴. پرحرفی و سخنان غیر ضروری و بی‌فایده: زیاد حرف زدن و پراکنده‌گویی، فکر را پریشان ساخته و قدرت اندیشیدن صحیح و تشخیص ثواب از ناثواب را سلب می‌کند. پرحرفی نشانه کم عقلی است. امیر المؤمنین (علیه السلام) در حدیثی می‌فرماید: «إذا تم العقل نقص الكلام»؛ وقتی عقل کامل گردد سخن گفتن کم می‌شود».

۵. پرخوری و شکم‌پرستی: انسان با شکم انباشته از غذا نمی‌تواند حال عبادت و دعا داشته باشد و طعم مناجات را بیچشد. پرخوری باعث قساوت قلب و تحریک شهوت می‌گردد. کم‌خوری و گرسنگی بهترین کمک برای کنترل نفس و شکستن عادت‌های آن می‌باشد. زیاده‌روی در غذا باعث تبلی و کسالت روح و مریضی بدن و بی‌رغبتی به عبادت و سختی دل و غفلت از یاد خدا می‌گردد و صفای روح و نورانیت و حال خوش معنوی را از انسان می‌گیرد.

۶. خودخواهی، خودپرستی و به طور کلی رذایل اخلاقی و صفات بد: این که شخصی فقط خود را به حساب آورده و دیگران را به حساب نیاورد مانع بزرگی در راه تکامل انسان است؛ که منجر به حسد، طمع، حرص و برادرکشی می‌شود. تا هنگامی که انسان به رذایل اخلاقی آلوده است، زمینه فساد در جان او وجود دارد و نمی‌تواند در جهت خدایی شدن و قرب الهی حرکت کند.

۱. اعراف، ۱۵۷.

۲. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۹۰.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۰۶.

۴. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۰.